

## پژوهش تطبیقی جرم اعمال نفوذ و ارتشا در رویه قضایی حقوق کیفری ایران

### زیبا سبحانی فر

دانش‌آموخته کارشناسی حقوق موسسه آموزش عالی زند شیراز (نویسنده مسئول)

#### چکیده

مقارنه تطبیقی می‌تواند عناصر نهفته را روشن سازد و ضمیر یک مرجع را به سمتی هدایت نماید که از این مقارنه، توازنی دقیق به عمل آید. در بحث مقارنه وجود شرایط و ضوابط دارای اهمیت است. ساختارگرایی و محتوا محوری دو اصل در مقارنه هستند؛ مقارنه‌ای سازنده نه مقارنه‌ای به قیاس مع‌الفارق. بنابراین نگاهی تطبیقی می‌تواند ساختار ساز باشد. در این مقاله سعی بر این است که مقارنه و تطبیقی از باب تحلیل ذهنی و ساختاری عینی بر روی جرائم اعمال نفوذ و ارتشا در قوانین کیفری ایران صورت گیرد. این دو جرم از جرائمی هستند که می‌توان آن را در دایره‌ای با وسعت فراوان نگریست در حالی که اصول جرم انگاری به‌گونه‌ای قانون‌نویسی را تأیید می‌نمایند که موجز و منجز باشد. نحوه نگارش این دو جرم دارای ابهام است اما عناوین و رویه قضایی می‌تواند موارد بسیار زیادی را در این زمینه نشان دهد. از یک توصیه ساده تا قول به دریافت وجه می‌تواند شامل این دو جرم شود. این مقارنه در رویه قضایی مورد توجه قرار خواهد گرفت. رویه‌ای که به اذعان علمای حقوق، تأثیری شگرف و فراتر از ملزومات قانونی می‌تواند داشته باشد. رویه قضایی در ایران گاهی حکم محوری را بازی می‌کند و ساختارها را ممکن است متحد یا جدا سازد. این پژوهش قصد دارد تا با مطالعه‌ای موردی و پژوهش محور این دو جرم را مورد واکاوی قرار دهد و نتایج آن را بیان نماید.

**واژه‌های کلیدی:** ارتشا، اعمال نفوذ، مستخدمین دولت، جرم انگاری، رویه قضایی

## مقدمه

در ابتدای امر لازم است که مقدمه‌ای بر این مشروح نگاشته شود تا اصول و روابط مستحکم در این زمینه در مقایسه و تطبیقی تحلیلی این عناصر روح افزایی شود. جرائم اعمال نفوذ در حقوق ایران تحت عناوین اعمال نفوذ، دلالی نفوذ و پذیرش نفوذ، توسط قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی معرفی شده اند. جرم اعمال نفوذ از عناصر بسیار دقیق و طریقی تشکیل شده است که از ابتدای نظام قانون مداری لازمه نگاهی مستقیم به این مبحث است. در کنار جرائم مذکور، عنوان مجرمانه‌ی دیگری موسوم به معامله‌ی نفوذ، به واسطه‌ی الحاق دولت ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد یا مریدا به نظام حقوقی ایران راه یافته است. جرم اعمال نفوذ، به اعمال کردن نفوذ بر کارهای اداری و تغییر آنها به کمک نفوذ ناشی از روابط خاص، اطلاق میگردد. پذیرش نفوذ، جرمی منحصر به کارمند است، که به تاثیر نفوذ صاحب نفوذ، بر کارها و تصمیمات اداری منجر میشود. برای تحقق هر جرم وجود ارکان عمومی و عناصری اختصاصی الزام است که در کمیت و کیفیت آنها اختلاف عقیده وجود دارد. به نظر می رسد این اختلاف عقیده نتیجه اعتبارات مختلفی است که برای تحقق جرم در نظر گرفته شده است. اگر جرم را پدیده‌ی مادی تلقی کنیم و فقط به نمود خارجی آن توجه داشته باشیم، برای تحقق جرم، نفس عمل انجام شده صرفنظر از قصد مرتکب و نظر قانونگذار کافی است اما پدیده‌ی حقوقی امور اعتباری است، نه واقعی و مادی. جرم نیز مانند هر پدیده حقوقی دیگر امری اعتباری است که برای تحقق آن با توجه به اعتبارات مختلفی که در نظر گرفته شده، ارکان یا عناصر مختلفی الزم است. اگر در تعریف جرم پیشبینی قانونگذار نیز الزام و مورد نظر باشد، رکن قانونی نیز از ارکان تشکیل دهنده جرم تلقی میشود و حکم قانون را نمیتوان خارج از ماهیت اعتباری جرم دانست. در حقوق ایران، نظر مشهور آن است که برای تحقق جرم، سه رکن قانونی، مادی و روانی الزام است که هر یک از ارکان مذکور دارای عناصر اختصاصی هستند (جمالی، حسین، بررسی عوامل وقوع جرم اعمال نفوذ در نظام حقوقی ایران، ص ۱۳۲). تحلیل تطبیقی این جرائم به دلیل وجود شباهت‌های فراوانی که با یکدیگر دارند می‌تواند باعث تقریب به ذهن برای اصیل بودن هر جرم شود. جرم نیز مانند هر پدیده حقوقی دیگر امری اعتباری است که برای تحقق آن با توجه به اعتبارات مختلفی که در نظر گرفته شده، ارکان یا عناصر مختلفی لازم است. اگر در تعریف جرم پیشبینی قانونگذار نیز لازم و مورد نظر باشد، رکن قانونی نیز از ارکان تشکیل دهنده جرم تلقی می‌شود و حکم قانون را نمی‌توان خارج از ماهیت اعتباری جرم دانست. (حبیب‌زاده، محمدجعفر، کلاهبرداری در حقوق ایران، ص ۲۹). در نگاه ابتدایی دیدگاهی سطحی نگر را می‌توان مشاهده نمود که ساختار را به وجود آورده است و توقعی برای زدودن تورم کیفری می‌رود اما در نگاهی عمیق تر و دقیق تر می‌توانیم محوری اساسی برای الگوهای همسان در عین حال مستقل ارائه نماییم. جرم شناسی در این مقولات و پدیدآوردن سیاست جنایی ساختاری متحد الشكل را می‌سازد که عناصر و دیدگاه قانونگذار را موشکافی می‌نماید.

## فصل اول: بررسی ارکان جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی

این جرم به گواه تاریخ در مقطعی قبل از انقلاب و به نوعی در اوایل تبدیل جامعه ایران به شکل و فرمت مدنیت نگاشته شده است و نشان از اهمیت والای این جرم دارد. زیرا شناخت آن و بررسی ارکان جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق در قانون بسیار مهم است. تطبیق عناصر این جرم بسیار قابل توجه است و از منظری می‌تواند نشان دهنده رشد و پیشرفت مدنیت در جامعه ایران باشد. زیرا پیش از انقلاب مسائل شرعی دخیل در حوزه جرم انگاری نبوده و بنابراین این مدل از جرم، به صورت کاملاً قانونی و فارغ از مسائل شریعت به حوزه جرم انگاری راه یافته است؛ تو گویی هم عرض با صناعات خاص است.

فعل یا ترک فعل انسان مادام که پیش از آن، موضوع امر و نهی قانون‌گذار قرار نگرفته باشد جرم به‌شمار نمی‌رود. در باره لزوم قانونی بودن مجازات نیز اصل سی و ششم قانون مذکور اعلام می‌دارد: حکم به مجازات و اجزاء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۸)

رکن قانونی بزه اعمال نفوذ، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی می‌باشد که در سال ۱۳۱۵ به تصویب قانون‌گذار ایران رسیده است. در قانون تعریفی از جرم اعمال نفوذ به عمل نیامده است و فقط مصادیق و مجازات اعمال نفوذ ذکر شده است. جرم اعمال نفوذ در سال ۱۳۱۵ خورشیدی توسط مقنن ایرانی به تصویب رسید. این جرم دارای عناصر و شرایط خاص می‌باشد، هر چند با جرائمی هم چون ارتشاء و کلاهبرداری؛ قابل مقایسه است، ولی بعنوان جرم خاص تعریف و تعیین شده است. اعمال نفوذ به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- اعمال نفوذ فاعلی

۲- اعمال نفوذ منفعلانه

اعمال نفوذ فاعلی به اعتبار مرتکب جرم به دو دسته تقسیم می‌شود؛ مرتکب شخص عادی است و یا اینکه مرتکب وکیل دادگستری می‌باشد. اعمال نفوذ فاعلی که مرتکب آن شخص عادی است در دو حالت قابل تصور است: اعمال نفوذ عام و اعمال نفوذ خاص که مواد یک و دو این قانون به آن پرداخته است. (کوشا، جعفر، اعمال نفوذ بر خلاف حق، ص ۱۵۹)

قوانین به صورت پراکنده و به صورت تجمیع شده معمولاً یکی از کارهای قانونگذار است که بسته به شرایط خاص آن را ارائه می‌دهد. همین قوانین که به صورت پراکنده بوده اند و بعضاً بسیار مهم نیز تلقی می‌شده اند تا به امروز نیز کارآمد هستند. یکی از همین قوانین، جرم اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی است که در پس از قانون جزایی ۱۳۰۴ به تصویب رسیده است. قانونگذار می‌توانست که در زمان تصویب قانون جزایی ۱۳۰۴ در ادامه قوانین، این موضوع را نیز بگنجانند اما پس از گذشت چندی و به دلیل مشاهدات عرفی فراوان، این مقوله را مورد تصویب قرار داد. هرچند در عمل برای اعمال این قانون، تقسیم بندی های افراد در سطح اجتماعی بسیار تاثیرگذار است و ممکن است گاهی کارآمد و گاهی تراحم با منافع شخصی اشخاص داشته باشد.

### بند اول: بررسی قانون اعمال نفوذ مصوب ۱۳۱۵

در بررسی این قانون به دنبال بررسی شرایط خاصی می‌رویم که نیاز است راجع به آنان صحبت نماییم. یکی از همین ضروریات، مبحث اعمال نفوذ فاعلی می‌باشد.

هر گاه شخص یا اشخاص عادی که خارج از سازمانهای دولتی و مؤسسات عمومی اقدام به ارتکاب عمل مجرمانه می‌نمایند که مواد یک، دو و چهار قانون مذکور به آن اشاره دارد. با توجه به سیاق نگارش مواد، مرتکب در دو حالت قابل تصور است. حالت اول: مرتکب شخصی عادی بوده و حالت دوم: مرتکب وکیل دادگستری باشد. (کوشا، جعفر، اعمال نفوذ بر خلاف حق، ص ۱۶۰).

تعبیر دیگری نیز می‌توان برای تفسیر در این زمینه به کار برد. رکن مادی هر جرم مهم‌ترین رکن آن جرم را تشکیل می‌دهد زیرا رکن مادی است که به جرم عینیت خارجی بخشیده، آن را به منصف ظهور می‌رساند. فکر و اراده ارتکاب جرم هر چند قبیح و قابل سرزنش باشد تا زمانی که ظهور خارجی پیدا نکند نه تنها قابل کشف و رؤیت نیست بلکه عملاً آثاری بر آن مترتب نیست تا بتوان صاحب آن را مورد عتاب و عقاب قرار داد. یکی از معایب سیستم حقوق کیفری ما آن است که جرم فساد مالی را فقط ناظر به کارمندان دولت می‌داند، ولی طبق کنوانسیون مریدا مصوب ۲۰۰۳، برای مبارزه با فساد اقتصادی و

مالی نباید فرقی از جهت خصوصیت مرتکب وجود داشته باشد و حتی در بنگاه‌های اقتصادی خصوصی هم همان مقررات مربوط به فساد مالی اعمال شود. (نجفی ابرنآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی اقتصادی، ص ۲۴۵). در حالی که در حقوق داخلی ارتکاب این جرائم توسط غیر کارمند دولت دارای وصف مجرمانه دیگری است که در مقام مقایسه دارای مجازات کمتری است. (رحمدل، منصور، بررسی تحلیلی بزه اعمال نفوذ، فصلنامه دانشکده حقوق، ص ۲۴). در خصوص کنوانسیون مریدا باید گفت در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ با هدف برخورد مناسب به پدیده چند بعدی فساد از جمله فساد اداری مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت که یک سند حقوقی بین‌المللی مستقل و فراگیری را تدوین نماید که این تلاش‌ها در نهایت پس از دو سال بحث و تبادل نظر به نتیجه انجامید. کنوانسیون ملل متحد در مبارزه با فساد در ۳۱ اکتبر سال ۲۰۰۳ در مریدا مکزیک به تصویب رسید. این کنوانسیون در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ یعنی ۹۰ روز پس از تودیع سی‌امین سند تصویب و الحاق و به مرحله اجراء درآمد. در واقع انعقاد این کنوانسیون، یک دستاورد شایان توجه در تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته در زمینه مبارزه با فساد می‌باشد و ۱۴۰ دولت که تقریباً نماینده همه مناطق دنیا هستند آن را امضاء کرده‌اند. این قانون، بسیار دقیق و قابل توجه است و طبیعتاً باید با کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد قیاس قرار گیرد. قبل از انقلاب قوانین منطبق بر موازین بین‌المللی و همراه با آنان بوده است اما پس از انقلاب، قوانین به سمت فقهی و شرعی شدن رفت و به نوعی تشخص را از دست داد و به طور خاصی ثابت شد که یکی از مهمترین آسیب‌های جرم‌انگاری ثبوت و جمود در قوانین است.

#### بند دوم: بررسی عرفی مصداق‌های شرایط اعمال نفوذ بر خلاف حق

در این بند به بررسی عرفی مصداق‌های شرایط اعمال نفوذ خواهیم پرداخت و آن‌ها را مورد بررسی و کنکاش قرار خواهیم داد.

می‌توان بیان داشت که در ماده ۱ قانون اعمال نفوذ برای مجرم یا مجرمین این جرم از قید و عبارت «هر کس» استفاده شده است، و شامل هر شخص معمولی و عادی که مرتکب این جرم شود، می‌گردد و عمومیت دارد. این شخص ممکن است یک فرد عادی باشد یا در استخدام دولت و زیرمجموعه آن و مؤسسات و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و کارمند و حقوق‌بگیر دولت باشد و یا کار غیر دولتی داشته باشد و یا از اشخاص حقیقی شاغل در بخش خصوصی و عام‌المنفعه و غیر انتفاعی همانند شرکت‌های خصوصی و اداره اوقاف و امور خیریه، یا شاغل در دانشگاه‌ها، مدارس و آموزشگاه‌های آزاد و خصوصی باشد و یا مأمور به خدمت عمومی باشد همانند وکلاء و نمایندگان مجلس قانون‌گذاری و عضو شورای شهر و محل و استان و غیره باشد و شاید قانون‌گذار با استفاده از این لفظ «هر کس» می‌خواسته است که با عبارت همه اشخاص مجرم و مرتکب این جرم را تحت شمول وصف جزایی ماده بیاورد ولی آنچه که متیقن و واضح است این است که این ماده در مورد اعمال نفوذ افراد عادی بیشتر کاربرد دارد و برای توصیف مجرمان عمل آنها وضع و تدوین شده است.

قانون‌گذار در موارد یک و دو این قانون از لفظ «هر کس» استفاده نموده و لفظ هر کس ناظر به هر فردی غیر از کارمندی است که قرار است تحت تأثیر قرار گیرد یا نفوذی روی وی صورت بگیرد. هرچند این کس خودش کارمند باشد و در ماده سه هم که به کارمندان دولتی اشاره کرده به مأمورانی اشاره می‌کند که تحت تأثیر القائات دیگران عمل کرده باشند و ناظر به مأمورانی که رأساً و بدون هیچ القائی در انجام وظایف خود اعمال نظر می‌کنند نیست و منحصر به افراد و اشخاص خاصی هستند و عبارتند از: مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری و یا مأمورین به خدمات عمومی.

این ماده بیانگر جرم اعمال نفوذ ارتكابی توسط مستخدمین و کارکنان دولتی و شهرداری و کشوری و مأمورین به خدمت عمومی است و به این دلیل که اشخاصی که در ماده مزبور ذکر شده‌اند حصری می‌باشند، اشخاص دیگر را دربر نمی‌گیرد و قانون در این خصوص نارسا و ناقص تدوین و وضع شده است، چرا که اشخاص دیگری هستند که به نوعی مأمور یا امانت‌دار یک شغل عمومی یا برگزیده توسط حکم انتخاب عمومی هستند. همانند نمایندگان مجلس قانون‌گذاری و یا اشخاص دیپلمات و نمایندگان سیاسی ایران در خارج از کشور و مأمور در یکی از سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی و اعضای شورای شهر و انجمن‌های اسلامی، کارکنان و اشخاص قضایی همانند قضات دادگستری و مدیر دفتران دادگاه‌ها و یا داورها و اعضاء هیئت منصفه و غیره را دربر نمی‌گیرد. در این خصوص نیاز به قانون‌گذاری و وضع قوانین مناسب داریم، که لازم و ضروری است بدان توجه کافی به عمل آید و توسط قانون‌گذار، خلاء قانونی آن پر شود و قانون فعلی در این خصوص باعث می‌شود بسیاری از افعال مجرمانه بلاتعقیب بمانند.

### بند سوم: اعمال نفوذ در ارتباط با وکلا و مستخدمین دولتی

در این بند به بررسی اعمال نفوذ توسط وکلا و مستخدمین دولتی خواهیم پرداخت و یکی از آراء را مورد توجه قرار خواهیم داد. ماده چهار خاص وکلای رسمی دادگستری وضع شده است و مرتکبین آن می‌بایستی وکیل رسمی دادگستری باشند و شامل افراد دیگر نمی‌شود و به نظر می‌رسد که شامل کارآموزان وکالت دادگستری نیز بشود و کارآموزان دادگستری چنانچه مرتکب جرمی شوند تحت عنوان اعمال نفوذ بر طبق ماده چهار این قانون می‌بایستی تحت تعقیب قرار گیرند. با توجه به اینکه این جرم از جرائم عمدی است و به سوءنیت نیاز دارد و خاص اشخاص حقیقی است و نه حقوقی و مباشرت شخص حقیقی را در ارتکاب نیاز دارد و تحقق آن توسط شخص حقوقی ممکن نیست و دکترین و رویه قضائی نیز در ایران تا بدین حد توسعه نیافته که این موضوع را بپذیرد و بدان تمکین کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در جرم اعمال نفوذ مصادیقی وجود دارد که در آنها کارمند دولت بودن شرط تحقق جرم نیست ولی در عمده موارد مربوط خصوصیت مرتکب شرط است.

عنصر مادی جرم اعمال نفوذ فقط به صورت فعل مادی مثبت قابل تحقق است. هرچند نتیجه‌ای که از اعمال نفوذ در عالم خارج مشاهده می‌شود به صورت ترک فعل هم قابل تصور است. جرم اعمال نفوذ این است که اعمال نفوذ بیشتر حالت ذهنی و درونی دارد. آنچه که در عالم خارج اتفاق می‌افتد اماره‌ای بر آنچه که در عالم درون اتفاق می‌افتد می‌باشد و اساساً وجه تسمیه عنصر مادی آن است که آنچه به عنوان عمل خلاف قانون از مرتکب سر می‌زند در عالم خارج قابل لمس و مشاهده باشد و الا فرقی بین عنصر روانی و مادی وجود نخواهد داشت. حتی در باب شروع به جرم نیز که با تصریح قانون در برخی موارد عمل جرم شناخته می‌شود گفته می‌شود که باید «موقعیت طوری باشد که بتوان از روی قرائن و امارات وجود قصد مجرمانه را احراز کرد» (متین، احمد، مجموعه رویه قضائی، ص ۸۷) به طریق اولی در مورد جرم تام نیز باید قرائن و اماراتی که ملموس یا مشهود باشند وجود داشته باشد تا بتوان مدعی ارتکاب جرم از ناحیه شخص شد. بر این اساس، به نظر می‌رسد که قائل شدن به ذهنیت‌گرایی در مورد عنصر مادی جرم اعمال نفوذ ممکن است عنصر مادی را در این جرم به تحلیل ببرد و نتیجتاً منجر به عدم امکان اثبات آن شود و شاید به همین اعتبار است که ذهن شاخصه‌ای خارجی را دلیل تحقق عنصر مادی می‌داند.

در این ارتباط می‌توان موردی را مثال زد که کارمند دولت با اعمال نظر خود برخلاف قانون وضعیت را به نفع یکی از طرفین تغییر می‌دهد و یا در موردی که نباید کاری را انجام دهد با اعمال نظر و با تفسیر به رأی قانون به نفع فرد مورد نظر عمل می‌کند و همچنین موردی را مثال زد که کارمند دولت با اعمال نظر خود از اجرای قانون به نفع فرد مورد نظر خودداری

می‌کند و یا به ضرر یکی از طرفین و به نفع طرف دوم از انجام کاری خودداری می‌کند. (رحمدل، منصور، ص ۴۵) افرادی که وکیل ادعای اعتبار و نفوذ نزد آنها می‌کند در ماده چهار محصور شده و تنها شامل مأمورین قضائی، اداری، حکم، شهود و اهل خبره است. نحوه انشای ماده به گونه‌ای است که تمثیلی بودن افراد مورد اشاره را نفی می‌کند، از این رو چنانچه وکیل دادگستری با این ادعا که با وکیل طرف دعوی ارتباطی داشته و می‌تواند با نفوذی که نزد او دارد او را مجاب نماید که دفاع مؤثری در دعوی مطروحه به عمل نیاورد و با این ادعا که انجام این امر مستلزم پرداخت وجه یا مالی به وکیل طرف مقابل است، مبالغی را از موکل خودش اخذ نماید. نمی‌توان عمل وکیل را مشمول مقررات ماده دانست. به نظر می‌رسد که وکیل باید ادعای اعتبار یا نفوذ نزد قضات محکمه یا کارکنان اداری را نسبت به خویش مطرح نماید و نه اشخاص ثالث. به عبارت دیگر ادعای اعتبار یا نفوذ باید قائم به شخص وکیل باشد نه به شخص دیگر. از این رو چنانچه وکیل با این ادعا که شخص دیگری نزد مأمورین قضائی یا اداری دارای نفوذ یا اعتبار است وجهی از موکل خویش دریافت یا وعده پرداخت آن را قبول کند، عمل ارتكابی وی از شمول مقررات ماده خارج است. در ذیل یک نمونه از آرای صادره در این مقوله را مورد توجه قرار خواهیم داد.

در تاریخ: ۲۳/۱۱/۱۳۹۱ به شماره: ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۱۰۱۱۳۹

به موجب قسمتی از دادنامه شماره ۲۹۰۰۳۲۱-۸۷/۷/۲۰- صادره از شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی ک، آقای ر.ق. کارمند دادگستری ک، به اتهام ادعای اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، نزد مقامات قضایی، مستنداً به ماده ۱ قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، به تحمل شش ماه حبس و پرداخت ده هزار ریال جزای نقدی محکوم گردیده و این حکم در شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان ک، به موجب دادنامه شماره ۰۰۵۵۶-۸۷/۱۲/۲۶- عیناً تأیید شده است. اینک آقای ر.ق. طی درخواستی که مشروح آن در هنگام شور قرائت خواهد شد، از دیوان عالی کشور تقاضای تجویز اعاده دادرسی نموده و مرقوم داشته است که: انتساب این اتهام و محکومیت من به استناد ماده یک قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و جاهت قانونی ندارد. من هیچ‌گونه ادعایی، دال بر اعمال نفوذ از طرف خویش یا به واسطه اشخاص دیگر ننموده‌ام. از طرفی پرونده اتهامی متشکله علیه اینجانبان هم، مرتبط با پرونده اتهامی آقای ح.ع. بوده که در نهایت تبرئه شده است (عضو ممیز). با مطالبه و بررسی محتویات پرونده محاکماتی، ملاحظه می‌گردد که اتهام منتسبه به آقای ر.ق. و تفهیم اتهام به نام‌برده (هم در دادسرا و هم در دادگاه)، ادعای اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی بوده و در کیفرخواست دادسرا نیز همین عنوان (ادعای اعمال نفوذ...) قید شده و شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی ک نیز، طی دادنامه شماره ۲۹۰۰۳۲۱-۸۷/۷/۲۰ آقای ر.ق. را تحت همین عنوان (ادعای اعمال نفوذ...) به حبس و جزای نقدی محکوم کرده و این حکم در شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان ک، تأیید شده است (صفحات ۸۷، ۱۹۳، ۳۰۴، ۴۱۸ و... پرونده). هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای کاظمی، عضو ممیز و اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای حبیبی دادیار دیوان عالی کشور، اجمالاً مبنی بر «قبول درخواست اعاده دادرسی» مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهد:

### رای دیوان

درخواست آقای ر.ق. مبنی بر تجویز اعاده دادرسی، نسبت به دادنامه شماره ۰۰۵۵۶-۸۷/۱۲/۲۶- صادره از شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان ک، موجه و در خور پذیرش می‌باشد. زیرا صرف ادعای اعمال نفوذ، مشمول هیچ‌یک از مواد قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی نیست؛ مگر اینکه شخص وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث تحصیل کند که در این صورت علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن، به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد.

بنا به مراتب فوق و با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تقدیمی و مستنداً به بندهای ۵ و ۶ ماده ۲۷۲ و ماده ۲۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اعاده دادرسی تجویز و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه تجدیدنظر استان ک ارجاع می‌گردد.

این مورد یکی از انواعی است که در این زمینه می‌توان مثال زد. زیرا اثبات این امر به نوعی بسیار مشکل است و تمامی مباحث حقوقی دارای ارزش اثبات ادله هستند و بنابراین باید از طرق قانونی برای اثبات اقدام صورت گیرد.

### فصل دوم: تحلیل ارتشا و شرایط آن در قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷

در این فصل قصد داریم که ارتشا و شرایط آن را مورد بررسی قرار دهیم و به دلیل اقتصادی بودن این جرم حساسیت بسیاری روی این جرم وجود دارد. هر چند داشتن خصیصه مالی و اقتصادی برای فساد محدوده آن را مشخص می‌کند و موجب تمیز آن با سایر جرائم و رفتارهای خلاف مقررات و موازین اخلاقی و شرعی می‌شود؛ اما باید توجه داشت که فساد تهدیدی علیه امنیت ملی به ویژه امنیت اقتصادی نیز به حساب می‌آید. زیرا فساد پدیده‌ای است که برخلاف اکثر پدیده‌ها، موجد ناامنی هم از بیرون و هم از درون به ستیز با امنیت ملی و حاکمیت سیاسی برمی‌خیزد از درون رفتارهایی مانند ارتشاء یا اعمال نفوذ و پولشویی و اختلاس اگر شایع گردد و سر از عملکرد مسئولین و مقامات عالی دولتی درآورد با دولتی بیمار مواجه هستیم که مقررات مبارزه با فسادش یا تصویب نمی‌شود یا اگر تصویب شود به اجرا در نمی‌آید. (مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، ص ۵۸). رویکرد قانون مجازات در خصوص جرائم اقتصادی یک رویکرد عوام‌گرایانه است. عوام‌گرایی کیفری زمانی بروز می‌کند که سیستم عدالت کیفری برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرائم به جای استفاده از راه حل‌های منطقی و علمی که مورد توجه کارشناسان و نخبگان است به راه حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارد متوسل می‌شوند. در چنین شرایطی، ضمانت اجرای تعیین شده دارای تناسب با ماهیت جرائم نبوده و افراط و تفریط در تعیین میزان مجازات باعث انتقاد جدی از قانون مجازات می‌شود. (حسینی، سیدحسین اسماعیل زاده، سیاست کیفری و جنبه‌های عوام‌گرایی سران در قبال فساد اقتصادی، ص ۲۰۲). باید در نظر داشت که تنها مرجع صالح قانون گذاری در عموم مسائل، مجلس شورای اسلامی است و قانون گذاری از جانب سایر مراجع اساساً یا منع شده یا اینکه جنبه استثنایی دارد. در ایران در خصوص جرائم اقتصادی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه مجریه و قضاییه حکم قانون را پیدا می‌کند که این خود باعث تعدد مراجع قانون گذاری می‌شود همچنین با وجود دخالت‌های مراجع مختلف در حوزه قانون گذاری، در مقابله با مفسدات اقتصادی، هنوز تعریف دقیقی از این جرائم در نظام تقنینی ما وجود ندارد و به علت فقدان تعریف مفسدات اقتصادی و حتی جرائم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی موجب برداشت‌ها و معانی گوناگون می‌شود که این امر باعث ابهام در مفهوم مفسدات اقتصادی شده است. علاوه بر اینکه مفسدات اقتصادی دارای عناوین مختلفی هستند هر کدام از این عناوین شامل عناوین متعدد دیگری نیز هستند که غالباً در قوانین دیگری جرم‌انگاری شده است که تمیز و دسته بندی آنها به تحقیق نیاز دارد و نمی‌توان به راحتی مصادیق آنها را برشمرد و این تنوع مصادیق باعث تنوع جرائم و منابع قانونی مرتبط با جرائم شده است. (خانی، علی و شیرینی، عباس، کاستی‌های جرم‌انگاری مفسدات اقتصادی در سیاست کیفری ایران، ص ۵۰) تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوقدان‌ها، جرائم اقتصادی موارد اقتصاد خرد و کلان در نظام اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را در بر می‌گرفت که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال دانسته نمی‌شد. در نقطه مقابل موارد کلان فساد مالی و اداری که سبب تعرض عمدی به بیت‌المال و اموال عمومی و دولتی می‌شوند و

مفهوم فساد اقتصادی را در ذهن متبادر می نمود. هر چند ذکر جرائم اقتصادی ابهام برانگیز است در واقع ویژگی بارز جرائم اقتصادی ارتکاب آن مناسب با حین ارتکاب یک فعالیت اقتصادی و مالی است از این رو به شمار آوردن مصادیق مزبور گروه جرائم اقتصادی سبب اختلاط این دسته از جرائم با مصادیق فساد مالی - اداری و فساد اقتصادی خواهد شد. با این توضیح که بند «الف» ماده ۱ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ ضمن ارائه مفهومی گسترده از فساد جرائم رشاء و ارتشاء، اختلاس را از جمله مصادیق فساد دانسته و حتی برخلاف سابق در بند «د» ماده ۲ دامنه آن را به اشخاص حقوق خصوصی تسری داده است. جرم ارتشا یکی از جرائم بسیار مهم محسوب می شود که جنبه اقتصادی آن دارای ضرورتی شگرف است که باعث سوق دادن افراد به سمت آن می شود.

### بند اول: تحلیل ارکان جرم ارتشا

در این بند به تحلیل ارکان جرم ارتشا خواهیم پرداخت و آن را مد نظر قرار خواهیم داد. هر جرمی دارای ارکان مختص به خود می باشد. رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره جرائم علیه آسایش عمومی می باشند که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم به نظام اجرایی و اداری و در نهایت از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن کارمندان می شوند زیرا توقعی برای کارمندان ایجاد شده که می توانند از این طریق کسب درآمد ناشروع داشته باشند و وظایف خود را جز با اخذ مابه ازای و پاداشی از ارباب رجوع انجام ندهند. لذا ضرورت برخورد جدی و پیشگیری از این جرائم سبب شد که کشورهای جهان و در عرصه بین المللی نیز کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، نسبت به جرم انگاری و تعیین اقدام نمایند. (صدیق نژاد، حمید، بررسی تطبیقی جرائم رشا و ارتشاء، ص ۵۷) رکن قانونی جرم ارتشاء، ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. بر اساس ماده مزبور، تعریفی که می توان از جرم ارتشاء ارائه داد، به شرح زیر است.

هر یک از کارکنان دولت یا سایر نهادهای حکومتی اعم از رسمی یا غیررسمی در راستای انجام یا عدم انجام وظایف قانونی سازمان متبوع؛ وجه، مال یا سند تحصیل وجه یا مالی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دریافت کند، مرتکب بزه ارتشاء شده است. با توجه بر اینکه جرم رشا و ارتشا از جرائم عمومی می باشد لذا گیرنده وجه یا مال باید با علم و آگاهی و سوءنیت، اقدام به عمل مجرمانه نماید و در واقع گرفتن مال و یا وجه را به صورت آگاهانه انجام داده و بداند که از مقام خود در حال سوءاستفاده است در نتیجه هرگاه گیرنده مال و یا سند و یا چک و یا پول با عنوانی همانند هبه و صلح و یا قرض الحسنه مالی را گرفته باشد ولی مقصود طرف مقابل گرفتن امتیاز و یا سند خاصی بوده باشد عنصر معنوی محقق نخواهد شد چرا که کارمند در اینجا قصد مجرمانه نداشته است و با عناوین غیرمجرمانه اقدام به گرفتن مال نموده است. با توجه برآنچه توضیح داده شد هدف متهم در بزه ارتشاء، استفاده بردن از مال رشوه دهنده می باشد و دسترسی آسان تر به مال او را به اخذ سند پرداخت وجه یا مال ترغیب می کند. این جرم یکی از جرائم مهم است و باعث اختلال در وضعیت و سیستم اداری کشور می شود. حال اگر این وسیله قابل بهره برداری به هر دلیلی نبوده باشد و یا بزهکار به دلایل مختلف وجه موضوع سند را تحصیل ننموده است به نظر می رسد تحقق جرم امکان پذیر نیست. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی اقتصادی، ص ۴۵۲) پس به طور کلی تا زمانی که مرتشی در نتیجه اقداماتی که انجام داده به مال یا وجه دسترسی پیدا نکرده باشد ارتشا هرگز محقق نخواهد شد. نکته مهمی که در این موضوع بایستی در نظر داشت این است که شرط تحقق جرم رشا تحقق ارتشا خواهد بود چرا که برای محقق شدن این دو جرم نیاز است که بین راشی و مرتشی قبض و اقباض صورت گیرد.



البته این مقوله از دیدگاه فقهی می باشد و تائید آنان بر اساس کنوانسیون های بین المللی به طور دقیق امکان پذیر نخواهد بود.

### بند دوم: مقایسه ارکان و شرایط ارتشا با جرم اعمال نفوذ

در این بند با توجه به مطالب فوق الذکر سعی بر این می نمایم که بررسی اجمالی این دو جرم را با یکدیگر بیان نمایم. هرچند که در این پژوهش به طور کامل راجع به این دو جرم سخن گفته شده است. در ماده چهار آمده است که هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضائی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره، وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک الی سه سال محکوم خواهد شد. در مواردی ممکن است که وکیل پس از دریافت وجه یا تحصیل مال، مبادرت به اعمال نفوذ نیز کرده و وجه یا مال تحصیل شده را به مقامات قضائی و اداری و... نیز تسلیم نماید در صورت تحقق چنین امری از ناحیه وکیل دادگستری، جرم مستقل دیگری نیز تحت عنوان رشاء (موضوع ماده ۵۹۲ ق.م.ا) محقق شده و با توجه به قواعد حاکم بر تعدد مادی جرم، موضوع ماده ۴۷ ق.م.ا مرتکب علاوه بر مجازات مندرج، محکوم به مجازات دیگری نیز خواهد شد. بنابراین توجه و دقت به این مطلب باعث می شود که ساختار به طور دقیق مورد توجه قرار گیرد. ارکان و شرایط این دو جرم تقریباً با یکدیگر متفاوت است ولی به نوعی نیز با یکدیگر گره خورده است. از رهگذر اعمال نفوذ می توانیم به سمت جرائم دیگری نیز هدایت شویم. به گونه ای که جرم اعمال نفوذ به عنوان مادر جرائم و مقدمه ای برای ورود به عرصه دیگر جرائم محسوب می شود. بنابراین این مقولات بسیار مهم هستند.

### بند سوم: بررسی برخی آرای صادره از محاکم کیفری در ارتباط با ارتشا

در این بند به یکی از آرای صادر شده در دادگاه ها می پردازیم و آن را به عنوان نمونه بیان می کنیم.  
در تاریخ: ۲۸/۱۰/۱۳۹۲ به شماره: ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۱۴۱۰

### چکیده رای

بزه ارتشا از جرائم مطلق بوده و مقید به انجام یا عدم انجام امری نیست.

### رای بدوی

در خصوص اتهام آقای ک.ک. فرزند الف، ۴۵ ساله، کارمند تأمین اجتماعی و فاقد سابقه محکومیت کیفری با وکالت آقای ع.الف. و ح.ط. دایر بر اخذ رشوه به میزان بیست میلیون ریال از شرکت خ، موضوع اعلام جرم اداره کل تأمین اجتماعی شرق تهران، با عنایت به اوراق و محتویات پرونده و مفاد کیفرخواست دادسرا و دلایل احصایی در آن و شرح اعلام جرم مذکور ((...)) آقای ک.ک. ... مستخدم رسمی شاغل در واحد درآمد شعبه ... سازمان تأمین اجتماعی با سوءاستفاده از عنوان شغلی خود برای انجام دادن امور مربوط به شرکت خ. تهران پارس اقدام به دریافت وجه نقد از شرکت مذکور نموده است...)) و ملاحظه مستندات ابرازی (تصویر صورتجلسه ۹۱/۳/۳ راجع به کشف بزه) و اظهارات و اقراریه متهم نزد بازپرس محترم رسیدگی کننده در

مورخ ۹۲/۱/۲۱ (ص ۳۸ پرونده) و دفاعیات غیرمؤثر بعدی وی و وکلای محترم ایشان و قرائن و امارات موجود و با امعان نظر به اینکه بزه ارتشا از جرائم مطلق بوده و مقید به انجام یا عدم انجام امر موضوع موردنظر نمی‌باشد؛ بنابراین بزه انتسابی محرز و مسلم تشخیص و با استناد به ماده ۳ از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و با رعایت ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به تحمل چهار ماه حبس و ده میلیون ریال جزای نقدی معادل با نیمی از وجه مأخوذه و سی ضربه شلاق و شش ماه انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌گردد. رأی صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. رئیس شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران ویژه کارکنان دولت - صدیقی

### رای دادگاه تجدید نظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ع.الف. به وکالت از آقای ک.ک. نسبت به دادنامه شماره ۹۲-۶۰۰۱۲۷ مورخ ۱۳۹۲/۴/۸ در پرونده کلاسه ۹۱-۳۰۰۲۷۰-۳۰۰ صادره از شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن آقای ک.ک. به اتهام اخذ رشوه به مبلغ بیست میلیون ریال موضوع شکایت سازمان تأمین اجتماعی اداره کل شرق تهران بزرگ و با احراز بزهکاری و به استناد مواد قانونی و با رعایت تخفیف در مجازات به چهار ماه حبس و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت و سی ضربه شلاق و شش ماه انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم شده است، نظر به اینکه تجدیدنظرخواه در محدوده تجدیدنظرخواهی ایراد و دفاع مؤثری که از جهات شکلی و یا ماهیتی مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری باشد، اقامه ننموده و از نظر این دادگاه ایضاً دادنامه تجدیدنظرخواسته منطبق با موازین قانونی و دلایل موجود در پرونده اصدار یافته و ایرادی که موجب نقض باشد، مشهود نیست و به استناد بند الف ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ضمن رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید و ابرام می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

این جرم یکی از مهمترین جرائم در زمینه فساد می‌باشد. بنابراین دقت نظر قانونگذار در این زمینه ملاک عمل است.

### بحث و نتیجه گیری

نتیجه ای که از مبحث مورد نظر به دست می‌آید این است که از این رو، به نظر می‌رسد علی‌رغم بکارگیری تعابیر مختلف در قوانین کیفری در حقیقت قانون‌گذاران معیار ویژه ای برای تفکیک آنها در نظر گرفته اند و تعریف ویژه ای ارائه نداده اند. به علت کاستی‌های موجود در قوانین و ناهم‌پوشانی آنها این عرصه به جولانگاه متنفذین سوء استفاده گران مجرمین یقه سفید و حرفه ای تبدیل شده است که تا قبل از اطلاع نظام عدالت کیفری یا ادله و اسناد، عملیات مجرمانه خود را از بین می‌برند و یا از دسترس نظام عدالت خارج می‌شوند و باعث آثار سوئی در زمینه مدیریت عمومی کشور و فساد کارمندان و مأمورین دولتی می‌شود. این دو جرم دارای اثرات بسیار مخربی هستند و بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند. بنابراین ضرورت عمل و دقت و کیفیت در این زمینه برای رسیدگی به این جرائم بسیار حائز اهمیت است.

## منابع

۱. کوشا، جعفر، اعمال نفوذ بر خلاف حق، ص ۱۵۹
۲. جمالی، حسین، بررسی عوامل وقوع جرم اعمال نفوذ در نظام حقوقی ایران، ص ۱۳۲
۳. حبیبزاده، محمدجعفر، کلاهبرداری در حقوق ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شاهد، تهران، ۱۳۷۴.
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات میزان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸.
۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی اقتصادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵-۱۳۸۴.
۶. رحمدل، منصور، بررسی تحلیلی بزه اعمال نفوذ توسط مأموران دولتی و رابطه آن با فساد مالی کارمندان، تحقیقات حقوقی آزاد، فصلنامه دانشکده حقوق، شماره‌های ۵ و ۶، پاییز ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹.
۷. سیدمهدی حجتی، ادعای داشتن نفوذ نزد قضات محاکم و کارکنان اداری دادگستری و کارشناسان. پژوهشنامه حقوقی، دوره ۲۱، ص ۴۲
۸. مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، ص ۵۸.
۹. حسینی، سیدحسین اسماعیل زاده، لیدا، سیاست کیفری و جنبه های عوام گرایی سران در قبال فساد اقتصادی، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۵۴، ۱۳۹۳، ص ۲۰۲.
۱۰. صدیق نژاد، حمید، بررسی تطبیقی جرائم رشا و ارتشاء، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، ص ۵۷